

40 - چند نوع از فعالیت ها و پیکارهای توده ای

اعتصاب - یعنی دست کشیدن از کار توسط زحمتکشان که می تواند کلی یا جزئی با مدت معین یا نامحدود باشد. اعتصاب یکی از وسائل مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داران و کارفرمایان و دولت بورژوازیست و به خاطر رسیدن به هدف های اقتصادی، صنفی و سیاسی صورت می گیرد.

اشکال مختلف اعتصاب عبارتست از نرفتن سرکار و ماندن در منزل، اجتماع در جلو کارخانه و کارگاه، قطع کار و اشغال و راه ندادن کسی به آن، ماندن کار در سرکار و پشت ماشین خود ولی کار نکردن، کار آرام به نحوی که کلیه جریان تولید را به تعویق بیندازد، اجرای کلیه جزئیات وظایف و دقایق امور که خود باعث تاخیر بسیار کار در برخی از رشته ها و مختل شدن جریان امور می شود (گمرک ، ادارات و ...).

اعتصاب عمومی شکل عالی مبارزه اعتصابی طبقه کارگر و برای ارضاء خواست های سیاسی و اقتصادیست. در این شکل با توسل به همه انواع اعتصاب، توده های عظیم زحمتکشان به کلی چرخ اقتصاد کشور را فلج می کنند و قدرت اتحاد و مبارزه خود را نشان می دهند. در اعتصاب عمومی همه کارگران متشکلاً در کلیه کارخانه های یک رشته اقتصادی یا در همه موسسات یک استان یا در همه موسسات سراسر کشور به خاطر هدف های مشخص و شعارهای معینی دست از کار می کشند. اعتصاب عمومی یک وسیله عالی سازماندهی و تجهیز زحمتکشان در مبارزه علیه ستم سرمایه داریست. اعتصاب عمومی سیاسی برای تکامل جنبش کارگری اهمیت ویژه ای دارد. موقعیت مناسب ، شعارهای روشن و مهیج و اجرای نظم و تشکل آن اهمیت قاطعی دارد.

تظاهرات (دمونستراسیون):

یک شکل از اشکال توده ای و وسیع مبارزه زحمتکشان است. به وسیله تجمع و راه افتادن در خیابان ها و میدان ها و بیان خواست ها توسط شعارهای کتبی و شفاهی، زحمتکشان یا علیه یک اقدام و تصمیم و سیاست هیئت حاکمه اعتراض می کنند و مخالفت خود را بیان می دارند و یا یکی از مطالبات اقتصادی و سیاسی خویش را بیان می دارند و عقیده و نظر خود را منعکس می کنند. حزب توده ایران و جنبش ملی در ایران بارها و به شکل موثر از حربه تظاهرات سیاسی استفاده کرده است.

میتینگ:

یک لغت انگلیسی است به معنای ملاقات برای مذاکره پیرامون یک مسئله. میتینگ یا به معنای جلسه ایست کم و بیش وسیع برای بحث و اظهار نظر در یک مسئله یا یک حادثه سیاسی و یا به معنای اجتماع انبوه مردم در یک نقطه و استماع گفته های سخنرانان که پیرامون حادثه و مسئله ای صحبت می کند و بدین وسیله نشان دادن نظر و عقیده.

شعار:

عبارتست از پیام یا عبارت کوتاه و موجز که با روشنی و اختصار هدف و مسئله مهمی را که حزب در مرحله یا یک لحظه معین تاریخی در مقابل دارد بیان نماید. شعار می تواند اقتصادی یا سیاسی، استراتژیک یا تاکتیکی باشد. شعارهایی که برای لحظه معین و مقصد مشخص فوری معینی به کار می رود شعار عمل نام دارد.

41- حزب

حزب عبارتست از يك سازمان سياسي كه در آن همفكران و طرفداران يك آرمان داوطلبانه گرد مي آيند و علي القاعده آگاه ترين عناصر يك طبقه يا اقشار اجتماعي متحد المنافع را گرد مي آورد، بيانگر منافع آن طبقه يا قشر بوده و آن را مبارزات اجتماعي رهبري مي نمايند.

در جريان تكامل سرمايه داري، سازمان هاي سياسي پرولتاريا و بورژوازي - دو طبقه اساسي جامعه سرمايه داري - و چه بسا سازمان هاي سياسي طبقات ديگر تشكيل مي شود.

علت اساسي تعدد احزاب بورژوازي در برخي از كشورهاي سرمايه داري وجود گروه ها و اقشار مختلف در طبقه سرمايه دار و مبارزه داخلي آن ها براي كسب قدرت حاكمه است. به علاوه بورژوازي از وجود چندين حزب با قيافه ها و نقاب هاي مختلف براي فريب و اغواي توده هاي مردم استفاده مي كند تا آن ها را از مبارزه صريح و روشن طبقاتي منحرف سازد. درمرحله امپرياليسم، انحصار گران و زمامداران در مقابل جنبش توده ها به ديكتاتوري و اختناق متوسل مي شوند و احزاب فاشيستي به وجود مي آورند. احزاب فاشيستي در حقيقت گروه هاي ضربتي سرمايه داري هستند.

بورژوازي همچنين با استفاده از آريستوکراسي کارگري سعي مي کند سازمان هاي رفرميستي براي فريب کارگران ترتيب دهد. حزب پرولتري، حزب مارکسيستي-لنينيستي، سازمان سياسي طبقه کارگر، مدافع و بيانگر پيگير منافع همه توده هاي زحمتکش است. حزب طبقه کارگر است که مي تواند رهبري صحيح مبارزه طبقاتي زحمتکشان را به دست گيرد از همه انواع مبارزه استفاده کند و در آميختگي صحيح تمام اشکال آن را تامين نمايد. در دوران امپرياليسم هنگامي که انقلاب سوسياليستي به صورت وظيفه عملي بلا واسطه در مي آيد نقش حزب بسيار با اهميت است.

احزاب پرولتاري در فعاليت خود آموزش مارکسيسم -لنينيسم، علم انقلابات اجتماعي و بناي جامعه نوين را رهنماي خود قرار مي دهند و متقابلاً با تجربه خود آن را غني مي سازند. چنين احزاب- احزاب کمونيست از آنجا که پيشاهنگ و پرچمدار انقلابي ترين طبقه جامعه معاصر و رهبر همه زحمتکشان هستند، از آنجا که با تئوري انقلابي و علمي و موازين سازماني مستحکمي مجهز هستند احزاب طراز نوين را تشكيل مي دهند که با احزاب طراز کهن کارگري که در انترناسيونال دوم شرکت داشتند تفاوت کيفي دارند.

ايجاد کننده و آموزگار احزاب طراز نوين کمونيستي ولاديمير ايلچ لنين است. نام او و تعاليم او عميقاً با احزاب پرولتري بهم پيوسته است. تعاليم او مي آموزد:

1- حزب مارکسيستي گردان مترقي انقلابي پرولتاريا و پيشاهنگ پرولتارياست. حزب مارکسيستي که عالي ترين شکل سازماني پرولتارياست تمام سازمان هاي ديگر پرولتاريا (اتحادييه ها و تتوپراتيوها و غيره) را بهم پيوند مي دهد، آن ها را از لحاظ سياسي رهبري مي کند و فعاليت آن ها را در جهت نيل به هدف واحد يعني سرنگوني سرمايه داري و ايجاد جامعه سوسياليستي سوق مي دهد. حزب کارگري پيشاهنگ پرولتارياست، پيشاهنگي که قادر است قدرت را در دست گيرد، تمام خلق را به سوي سوسياليسم ببرد، امر ساختمان زندگي اجتماعي بدون بورژوازي و عليه بورژوازي را رهبري کند، آموزگار و رهبر و پيشوای تمام زحمتکشان و استثمار شوندهگان باشد.

2- حزب مارکسيستي از آن جهت مي تواند نقش پيشاهنگ گردان مترقي طبقه کارگر و رهبر تمام خلق را اجرا کند که مجهز به تئوري علمي مارکسيستي به معرفت قوانين تکامل اجتماعي است و عملاً مي تواند از اين قوانين به سود تحول انقلابي جامعه استفاده نمايد.

- 3- حزب مارکسیستی که گردان مترقی و آگاه پرولتاریاست پیوسته آگاهی سوسیالیستی را در توده های وسیع کارگر رشد و پرورش می دهد، طبقه کارگر را از نفوذ ایدئولوژی فاسد بورژوایی مصون می دارد با هرگونه کوششی که در راه قلب و تحریف مارکسیسم به عمل آید به طور آشتی ناپذیر مبارزه می کند و مارکسیسم را بر اساس نوین ترین دستاوردهای علم و فعالیت اجتماعی رشد می دهد.
- 4- حزب مارکسیستی فقط گردان مترقی و آگاه و طبقه کارگر نیست بلکه گردان متشکل طبقه کارگر نیز هست - گردانی که افراد آن را خواست مشترک تحقق افکار انقلابی مارکسیسم - لنینیسم به هم پیوند می دهد. در حزب جایی برای فراکسیونیسم و گروه بندی جایی برای اپورتونیسم چپ و راست که می کوشند وحدت صفوف حزب را بر هم زنند، آن را از درون متلاشی سازند و از این راه قدرت رهبری مبارزه طبقاتی پرولتاریا را از آن سلب کنند، نیست.
- 5- حزب مارکسیستی حزب واقعی خلق و محل تجمع بهترین نمایندگان خلق است و با هزاران رشته با توده های وسیع زحمتکشان رابطه دارد. از آنجائی که حزب مظهر خواست ها و تمایلات خلق و مدافع پی گیرمنافع مبرم اوست از اعتماد و پشتیبانی توده های مردم برخوردار است. نیروی غلبه ناپذیر حزب مارکسیستی در همین ارتباط با خلق و برخورداری از پشتیبانی و توجه خلق است. حزب طراز نوین با انواع تسمه های ارتباطی با توده های وسیع مردم باید ارتباط داشته باشد.
- 6- موازین لنینی زندگی حزبی بر اساس سانترالیزم دموکراتیک قرار دارد. مراعات اکید این اصل لنینی قانون انکار ناپذیر فعالیت احزاب کمونیستی است. این موازین حفظ وحدت حزب، تامین استحکام ایدئولوژیک پرولتاری، اجرای اصل دموکراسی حزبی و رهبری جمعی کوشش در راه حفظ و تامین ارتباط رهبری با اعضاء حزب و حزب با توده های وسیع زحمتکشان، اجتناب از کیش پرستش شخصیت که سد راه تکامل فکر خلاق و ابتکار کمونیست هاست، انتقاد و انتقاد از خود در صفوف حزب را ایجاب می نماید.
- 7- مبانی ایدئولوژیک و سازمانی حزب کمونیستی در مبارزه با روپژونیسم و اپورتونیسم از یک سو و دگماتیسم و سکتاریسم از سوی دیگر تحکیم می یابد. انحراف نخست روح انقلابی مارکسیسم را قلب می کند، مروج ایدئولوژی بورژوایی در تئوری و عمل است، نیروی مبارزه علیه امپریالیسم و استثمار و استبداد و استعمار را از کارگران و توده های زحمتکش سلب می نماید. انحراف دوم کمونیست ها را از قشرهای وسیع زحمت کشان جدا می کند، کار را به عملیات چپ روانه و ماجراجویانه می کشاند، احزاب انقلابی را از غنی ساختن مارکسیسم لنینیسم بر اساس تحلیل علمی و انطباق خلاق آن در شرایط مشخص محروم می سازد، مانع ارزیابی درست تجربیات نو و اوضاع و احوال متغیر می شود.

42- چند واژه مربوط به زندگی حزبی

زیر این عنوان چند واژه را توضیح می دهیم که وجه مشترك آن ها اینست که مربوط به ساختمان حزبی و حیات تشکیلاتی است.

مرامنامه - مرامنامه (یا برنامه) يك حزب عبارتست از سند اساسی که در آن هدف ها و وظایف آن حزب قید گردیده است. مرامنامه يك حزب کارگری مارکسیستی - لنینیستی يك سند علمی است که بر پایه تحلیل عمیق مرحله انقلاب، مرحله تکامل مشخص اجتماعی و اقتصادی تدوین شده است و هدف های حزب در آن مرحله و وظایفی را که برای نیل به هدف متوجه حزب می شود در بر می گیرد. مثلاً در مرامنامه حزب توده ایران هدف غائی حزب ایجاد جامعه سوسیالیستی در میهن ما توصیف شده و بر شالوده تحلیل مرحله کنونی انقلاب ایران و تضادهای اساسی کنونی، هدف فعلی ایجاد نظامی ملی و دموکراتیک تعریف

گشته است. احزاب کمونیست با تکیه بر تعالیم مارکسیسم - لنینیسم و شناخت راه اصولی خود برای هر مرحله از تکامل جامعه برنامه علمی جامعی تدوین می کنند که در حقیقت قانون اساسی حزب به شمار می رود و عضو حزب آن را قبول کرده برای تحقق بخشیدن به آن فعالیت و مبارزه می کند. در مرانامه که اکنون واژه برنامه را بیشتر به جای آن به کار می برند راه های تحول انقلابی و شیوه ها و وسایل نیل به هدف ذکر می شود و در خطوط عمده خود به طور مشخص جنبه های مختلف هدفی که باید به آن رسید در زمینه های مختلف مثلاً در صنایع، کشاورزی و ساختمان دولتی امور مربوط به مسئله ملی و امور اجتماعی و رفاه و ترقی و غیره تشریح می گردد. در تاریخ جنبش کارگری نخستین مرانامه یا برنامه همان مانیفست حزب کمونیست است. در بسیاری موارد مرانامه یا برنامه شامل یک بخش تئوریک یا بیان اصول ایدئولوژیک و یا تحلیل پدیده های عمده دوران معاصر نیز هست. مثلاً در طرح برنامه حزب توده ایران مبحثی در این باره تحت عنوان مدخل وجود دارد. سپس در سه بخش هدف های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درج است. در ترزا و رهنمودهای حزب ما که پس از تهیه این طرح انتشار یافته و در سایر مدارک و اسناد حزبی این طرح تکامل یافته است. علاوه بر مرانامه اسناد دیگر برنامه ای حزب نیز تنظیم می شود که هدف های میرم را برای دوران های تاکتیکی روشن می سازد.

اساسنامه - عبارتست از مجموعه موازین و مقررات و قواعد حاکم بر حیات داخل یک حزب یا یک سازمان که ترکیب و ساختمان آن و نحوه عمل آن و ترتیب کار و فعالیت آن را طبق هدف های برنامه ای حزب یا سازمان مربوطه تعیین می کند. بنابر این در اساسنامه حزب مجموعه مقررات و اصول سازمانی حزب درج می گردد.

در اساسنامه همچنین وسائل عمل پراتیک سازمان های حزب، نحوه تشکیل ارگان های آن و رهبری آن، کنگره ها و کنفرانس ها و جلسات و حوزه ها تشکیل می شود. در طرح اساسنامه حزب توده ایران حزب ما به مثابه سازمان سیاسی طبقه کارگر در سراسر ایران و عالی ترین شکل سازمانی آن توصیف شده و گفته می شود:

«حزب توده ایران اتحاد داوطلبانه مبارزین پیشرو طبقات و قشرهای زحمتکش ایران، کارگران و دهقانان، پیشه وران و روشنفکران و افرادیست که برنامه اش را می پذیرند و در راه تحقق آن گام بر می دارند.»

در اساسنامه جهان بینی حزب ما مارکسیسم - لنینیسم و اصول تشکیلاتی آن ناشی از این جهان بینی تعریف شده است. غیر از این ها در اساسنامه حزبی شرایط عضویت در حزب، وظایف و حقوق اعضاء حزب، ساختمان حزبی بر اصل مرکزیت دمکراتیک، مقررات مربوط به حوزه ها و ارگان ها و کمیته ها و روابط حزب توضیح داده شده است.

کنگره حزبی - عالی ترین مقام و ارگان های رهبری حزب را کنگره می نامند و آن اجتماعی است از نمایندگان که اعضاء حزب و سازمان های ایالتی معمولاً به نسبت تعداد عضو انتخاب نمایندگی در جلسات کنگره اولاً برنامه حزب و اساسنامه حزب تدوین و تصویب می شود و در صورت لزوم یعنی به هنگام تحول وقایع و ضرورت تطبیق اسناد اساسی حزب با اوضاع جهان و کشور و وضع داخلی حزب در مرانامه و اساسنامه تجدید نظر لازم به عمل می آید. ثانیاً گزارش های رهبری حزب استماع می شود، نمایندگان فعالیت حزبی را ارزیابی کرده و بررسی می کنند و وظایف آینده خط مشی حزب را در مسائل اساسی سیاسی و نقشه عمل را تا کنگره بعدی تعیین می کنند. ثالثاً ارگان های رهبری حزب، اعضاء کمیته مرکزی و مشاوران آن و اعضاء کمیسیون تقشیش برگزیده می شوند. اهمیت ویژه کنگره در حیات حزب به خوبی از وظایف آن روشن می شود.

کمیته مرکزی - یک ارگان دائمی و منتخب است که در فاصله بین دو کنگره عالی ترین مقام حزبی بوده و فعالیت سیاسی و کار سازمانی حزب را اداره می کند و در مقابل کنگره مسئول و جوابگوست.

پلنوم - پلنوم کمیته مرکزی یعنی جلسه ای که در آن اعضاء اصلی کمیته مرکزی و مشاورین شرکت می کنند. در این جلسات مسائل حیاتی و وظایف حاد سیاسی در تناوب زمانی معین و در پرتوی تصمیمات کنگره ها مورد بحث قرار می گیرد. در برخی موارد عده ای از کادرها و مسئولین دیگر حزبی را برای شرکت در این گونه جلسات دعوت می کنند و در این حالت پلنوم وسیع کمیته مرکزی می گویند. لغت پلنوم یعنی مجمع عمومی یک ارگان یا یک کمیته انتخاب شده توسط یک سازمان. مثلاً پلنوم کمیته استان یا پلنوم کمیته شهر و غیره. در شرایط علنی تناوب زمانی این جلسات توسط اساسنامه تعیین شده و لازم الاجراست.

کنفرانس - کنفرانس یعنی مجمع نمایندگان یک سازمان اعم از سیاسی و اجتماعی و علمی و هنری و غیره که برای بحث یک یا چند مسئله معین تشکیل می شود و یا مجمع نمایندگان سیاسی دولت ها یا احزاب کشورهای مختلف.

در مورد حیات داخلی حزب، کنفرانس حزبی استان و شهرستان و شهر و بخش مرکب از نمایندگان اعضاء حزب در منطقه مربوطه بوده و عالی ترین ارگان سازمانی در آن منطقه می باشد. کنفرانس، کمیته های حزبی را انتخاب نموده و قرارها و تصمیمات لازم را برای فعالیت آینده سازمان مربوطه، اتخاذ می کند و همچنین برای کنفرانس های بالاتر و یا در مورد کنفرانس استان برای کنگره حزبی نماینده تعیین می کند. فاصله زمانی که کنفرانس ها در اساسنامه تعیین می شود. در موقعی که مسائل به ویژه و مهمی بروز می کند کنفرانس حزبی سراسر کشور تشکیل می گردد.

واضح است که در شرایط کار مخفی هنگامی که پلیس و ماموران حکومت قانون شکل امکان فعالیت آزاد و علنی را از یک حزب سیاسی سلب می کنند، موازین و قواعد اساسنامه ای و منجمله این اشکال سازمانی رهبری که نقش مهمی در اجرای اصل سانترالیسم دموکراتیک دارند نمی تواند رعایت شود و سیاست شکل های مشخص و ویژه ای برای کار سازمانی و فعالیت حزبی پیدا نمود تا صفوف حزب را از دستبرد دشمن حفظ کرد و ضمناً به فعالیت های اساسی برای نیل به هدف های مرامی ادامه داد تا در عین حال اشکال نباید از اصول عمده سازمانی حزب طبقه کارگر منحرف شود.

انتقاد و انتقاد از خود - عبارتست از اسلوب اساسی پی بردن به اشتباهات و کمبودها در فعالیت حزب و از بین بردن آن ها و جلوگیری از تکرار آن ها. هدف از آن تعمیق وحدت و حزب تصحیح مداوم مشی و سیاست آنست. به وسیله این روش (نشان دادن نقائص و معایب و ریشه آن ها و راه برطرف کردن آن ها) موانعی که در راه پیشرفت حزب وجود دارد برداشته می شود، آنچه کهنه است و باید دور ریخته شود نمایان می گردد، آنچه نو و بالنده است و باید تقویت گردد تعیین می شود. انتقاد و انتقاد از خود وسیله مهمی برای شرکت اعضاء حزب در تعیین سیاست و روش حزب و تامین فعالیت ثمر بخش و ابتکاری آنهاست. احترام به این اصل و اجرای دقیق آن دلیل زنده بودن و تحرك سازمان ها و ثمره آن تقویت و تحکیم این سازمان هاست.

از نظر تعمیم تجربیات، غنی کردن مارکسیسم - لنینیسم در پرتو واقعیات مشخص و شرایط نوین نیز احترام به این اصل اهمیت خاص دارد زیرا بدون تبادل آرا و مبارزه عقاید و انتقاد آزاد چنین پیشرفتی امکان پذیر نیست.

اجرای این اصل مانع می شود تا اشتباهات و نواقص ادامه یابد همه چیز به طور مصنوعی بی نقص جلوه گر شود، عینک خوش بینی زائد و فریبنده به چشم زده شود و مستی ناشی از موفقیت جایگزین هوشیاری روشن بینانه و مبارز برای کسب دستاوردهای هر چه عالی تر گردد. در جوامع سوسیالیستی انتقاد و انتقاد از خود نیروی محرکه تکامل جامعه است و از این بابت نقش حیاتی و مهمی را ایفا می کند.

رهبري - حزب به طور كلي مركب از رهبري، هسته مركزي يا كادرها و اعضاء ساده حزبست. رهبري در حزب جمعي است ولي مسئوليت ها فرديست. رهبري جمعي يكي از مهمترين اصول حيات داخل حزبي يكي از شرايط حفظ ديمقراسي حزبي و يكي از محمل هاي پرهيز از سوپزكتيويسم (ذهني گري) و ولونتاريسم (تمايل و اراده شخصي را اساس تحليل و عمل قرار دادن و واقعيت را نا ديده گرفتن) است. رهبري جمعي حزب را از كيش شخص پرستي كه مي تواند زيان هاي بسيار به حزب وارد سازد بر حذر مي دارد و اجراي رهبري را بر اساس علمي ميسر مي سازد و بطور خلاصه رهبري حزبي بايد

- 1- فاکتورهاي لازم را در هر مورد جمع آوري و دقيقاً مطالعه کند
- 2- آن ها را بر اساس آموزش مارکسيسم – لنينيسم تحليل نمايد
- 3- از اين تحليل، شعارها و رهنمودهاي عمل را استخراج کند
- 4- اين رهنمودها وشعارها را اجرا کند و بر اجراي آن ها نظارت نمايد و اشتباهات را اصلاح نمايد .

كادرها يا فعالين حزب، هسته مركزي حزب را تشكيل مي دهند كه اداره كننده سازمان حزبند و بايد از ميان فعال ترين و آگاه ترين افراد حزبي بر اساس انتخاب يا انتصاب معين گردند.

كادر - اين واژه در زبان فارسي در عبارات كادر اداري، كادر فني، كادر حزبي و غيره مورد معين كه در رشته هاي مختلف اد اري، سياسي و نظامي و غيره به فعاليت دائم مي پردازد. كادرها مجموعه اساسي كارمندان سازمان حزبي يا دستگاه دولتي يا سنديكايي و غيره را تشكيل مي دهند.

كادر سياسي براي فعاليت حزب و اجراي سياست و تحقق برنامه آن اهميت ويژه اي دارد. احزاب كمونيست توجه خاصي به تربيت و پرورش كادرها مبذول مي دارند. روش آماده ساختن شرايط براي پيشرفت فعالين و آميختن كار كادرهاي جوان و كادرهاي قديمي و با تجربه، تربيت مارکسيستي – لنينيستي آنان، تقويت حس مسئوليت و ابتكار و كار خلاق آنان و در نظر گرفتن ملاك سياسي (درجه ايمان و قابل اعتماد بودن) و ملاك عملي (لياقت براي انجام وظيفه معين) در برگزیدن مسئولين از مسائل اساسي سياست كادرها در يك حزب كمونيست است. اصول اين سياست معمولاً در اساسنامه هاي حزبي قيد مي گردد. واضح است كه برگزیدن كادرها و انتخاب مسئولين بر اساس دوستي شخصي، همسايگي، همشهري گري، علاقه فردي، خويشاوندي و غيره خاص نظام هاي ارتجاعي و احزاب فرمايشي ضد خلفي است و نبايد در حزب طراز نوين جايي داشته باشد.